



بررسی شایستگی‌های قانونی مربیان تربیتی شاغل در مراکز مراقبت فرزندان بی سرپرست و بد سرپرست؛ یک مطالعه کیفی با راهبرد گروه‌های قانونی^۱

حسن اسلامیان^۲، پژوهشگر پسادکتری مستقر در پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی
سید محسن اصغری نکاح^۳، استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد
محمود سعیدی رضوانی^۴، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه: رشد و تربیت سالم کودکان و نوجوانان یک جامعه به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در کیفیت زندگی آینده آن‌ها دارد، دارای اهمیت ویژه‌ای است. در این میان کودکان آسیب‌پذیر بی‌سرپرست و بد سرپرست (Orphan and Vulnerable Children (OVC)، به دلیل محرومیت از منابع حمایتی مهم- به‌ویژه مراقبت والدینی، نیازمند مراقبت‌های بیشتری از گروه‌های همتای خود می‌باشند (مارتین، ماتامبو و ریچتر، ۲۰۱۱). تأمین نیازهای تربیتی OVC، زمینه‌ساز ارتقاء شاخص‌های تربیتی و مراقبتی در این کودکان می‌شود و می‌تواند ایفاگر نقشی مهم در ارتقاء شاخص‌های مراقبتی OVC باشد (چپکمبوی، ژولی، جلیارد و لیسانون، ۲۰۱۶ و پیلای و نسجن، ۲۰۱۴، ۷). امروزه در ایران، مراکز مراقبتی دولتی و غیردولتی، مسئولیت سرپرستی و مراقبت OVC را از طریق به‌کارگیری تیم مراقبت متشکل از مدیریت مرکز، مسئول فنی، مددکار اجتماعی، مشاور و روان‌شناس و مربیان امور تربیتی عهده دارند (دستورالعمل تخصصی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۸۷). از بین اعضای تیم مراقبت OVC، مربیان تربیتی از نقش تعیین‌کننده‌ای در مراقبت و تربیت این کودکان برخوردارند و عملکرد مطلوب آن‌ها در این زمینه، مستلزم برخورداری از شایستگی‌های حرفه‌ای ویژه‌ای است که باید آن را باید در طی دوران تحصیل در دانشگاه به دست آورند. مربیان تربیتی OVC به‌طور معمول از بین دانشجویان یا دانش‌آموختگان رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، در مراکز مراقبتی به‌کارگیری می‌شوند. شناسایی نیازهای آموزشی و مهارتی و تعیین صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان

^۱ مقاله حاضر مستخرج از پروژه پسادکتری رشته علوم تربیتی در پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

^۲ Eslamian.1362@ yahoo.com

^۳ . Aaghri-n@um.ac.ir

^۴ . saedy@ferdowsi.um.ac.ir

^۵ . Martin, Mathambo, & Richter

^۶ . Jepkemboi, Jolly, Gillyard & Lissanu

^۷ . Pillay & Nesengan,



تربیتی OVC و لحاظ نمودن آن در برنامه درسی رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی، یک نیاز جدی و ضرورت آشکار در حوزه مراقبت از کودکان آسیب‌پذیر است؛ اما مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه OVC به‌ویژه در کشور ایران، نشان می‌دهد تحقیقات مشابه به مسائلی نظیر بهداشت و سلامت جسمی، مسائل مراقبتی، نیازهای روان‌شناختی و نیازهای مرتبط با آموزش مدرسه‌ای پرداخته شده است (ویلجوئن، ۲۰۱۱، ۱ و کو و اپراریو، ۲۰۱۰، ۲) و مطالعات در خصوص تعیین شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای اعضای تیم مراقبت و به‌ویژه مربیان تربیتی، بسیار محدود بوده است. بر همین اساس مطالعه حاضر با هدف شناسایی شایستگی‌های کانونی مربیان تربیتی شاغل در مراکز مراقبت OVC انجام شده است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از حیث هدف، توسعه‌ای و از حیث روش، یک طرح کیفی با استفاده از راهبرد کیفی فوکوس‌گروپ بود و در طی ۴ جلسه و با مشارکت ۷۰ نفر از خبرگان، صاحب‌نظران، گروه‌های دخیل، افراد کلیدی و مجرب مراکز مراقبت OVC در استان‌های خراسان رضوی، تهران، کرمانشاه، همدان، کردستان، خراسان شمالی و جنوبی، برگزار شد و مجموعاً ۲۵ ساعت بحث و گفتگو و تبادل نظر انجام شد. در فرایند برگزاری جلسات، کلیه مباحث و گفتگوهای انجام‌شده، توسط تسهیلگر و اعضای تیم پژوهشی حاضر در جلسه، یادداشت‌برداری شد و به کمک ضبط‌صوت، ضبط و ثبت شد و سپس کلیه مستندات جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج ارائه گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، اهم شایستگی‌های کانونی مربیان تربیتی شاغل در مراکز مراقبتی OVC عبارتند از: ۱) برخورداری از دانش و مهارت تخصصی (تسلط به دانش و نظریه‌های تربیتی و روان‌شناختی مرتبط با رشد و تربیت کودکان و نوجوانان، توانایی انجام پژوهش در زمینه مشکلات تربیتی و روحی و روانی فرزندان، تسلط بر دانش و مهارت مشاوره‌ای به‌ویژه مشاوره تحصیلی و روان‌شناختی)، ۲) برخورداری از مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی (فن بیان، روحیه مشارکت‌پذیری و کار تیمی، مهارت‌های ارتباطی قوی، مهارت تعامل غم‌خوارانه با کودکان و برخورداری از کاربزمای مربی‌گری)، ۳) برخورداری از توانمندی آموزشی و مهارت معلمی (توانمندی آموزش مهارت‌هایی نظیر حل مسئله، ارتباط اجتماعی، مراقبت از خود، گروه‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، مشارکت اجتماعی و مهارت درک متقابل به کودکان و نوجوانان)، ۴) برخورداری از صلاحیت‌های عمومی (ارزش‌مداری و پایبندی به اعتقادات دینی، پایبندی به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، اخلاق‌مداری، مسئولیت‌پذیری و تعهد).

¹. Viljoen

². Kuo & Operario



نتیجه‌گیری: سهم اصلی مطالعه حاضر، شناسایی مهم‌ترین شایستگی‌های کانونی مربیان تربیتی شاغل در مراکز مراقبتی OVC بوده است. بر اساس دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، مربیان تربیتی شاغل در مراکز مراقبتی OVC کشور تا حد زیادی فاقد برخورداری از شایستگی‌های مذکور می‌باشند. شواهد مطالعات مشابه در کشورهای فقیر و درحال توسعه نیز حاکی از آن است که علیرغم تأثیر مداخلات دولت‌ها در زمینه حمایت از مراکز مراقبتی OVC، ضعف دانشی و مهارتی مراقبان و مربیان OVC باعث شده تا این کودکان هنوز هم دچار مشکلات روحی روانی نظیر افسردگی، اضطراب، عصبانیت و انزوا و مشکلات تربیتی عدیده‌ای باشند (وانگ، ۲۰۱۲، ۲۰۱۲ و کلور و گاردنر، ۲۰۰۷). در این راستا مشارکت‌کنندگان معتقد بودند یکی از علت‌های ضعف عملکرد مربیان تربیتی، بی‌توجهی نظام آموزش عالی در توانمندسازی این مربیان می‌باشد و آموزش‌های دانشگاهی در مهارت‌آموزی و دانش‌افزایی مربیان، به رسالت خود عمل نکرده‌اند. در این راستا با توجه به اینکه اکثر مربیان تربیتی OVC، دانش‌آموخته رشته‌هایی نظیر علوم تربیتی و روان‌شناسی می‌باشند، لازم است در برنامه‌های درسی این رشته‌ها، سرفصل‌ها و محتواهایی با محوریت نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر و دارای نیازهای ویژه، طراحی و تدوین شود و بر آموزش اثربخش آن در دانشگاه‌ها، تأکید گردد. چراکه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در رشد اولیه کودکی در واقع سرمایه‌گذاری در آینده اقتصادی یک کشور است (کانگر و دونلان، ۲۰۰۷، ۳). علاوه بر این، مدیران و مسئولان مراکز مراقبتی باید از طریق به‌کارگیری نیروهای انسانی توانمند از بین دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، شرایط مطلوبی را برای پاسخگویی به نیازهای تربیتی OVC فراهم نمایند و بستر مناسبی را برای ارتقاء کیفیت مراقبت این کودکان و بهبود وضعیت تربیتی و سلامت روانی آن‌ها، فراهم نمایند.

منابع

- دستورالعمل تخصصی مراقبت و پرورش از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۸۷.
- Martin, P., Mathambo, V., Richter, L. (2011). UNICEF OVC programme component evaluation, Human Sciences Research Council.
- Conger, R.D. & Donnellan, M.B. (2007). An interactionist perspective on the socioeconomic context of human development. *Annu. Rev. Psychol.* 58:175-199.

¹.Wang

². Cluver & Gardner

³. Conger & Donnellan



- Cluver, L., Gardner, F., Operario, D. (2007). Psychological distress amongst AIDS-orphaned children in urban South Africa. *J Child Psychol Psychiatry*. 2007 Aug; 48(8): 755–763.
- Jepkemboi, G., Jolly, P., Gillyard, K., & Lissanu, L. (2016). Educating Orphaned and Vulnerable Children in Elgeyo-Marakwet County, Kenya. *Childhood education*, 92(5), 391–395.
- Kuo, C., Operario, D. (2010). Caring for AIDS-orphaned children: An exploratory study of challenges faced by carers in KwaZulu-Natal, South Africa. *Vulnerable Children and Youth Studies*. 5(4):344–352.
- Martin, P., Mathambo, V., Richter, L. (2011). UNICEF OVC programme component evaluation, Human Sciences Research Council.
- Pillay, J. (2014). Challenges educational psychologists face working with vulnerable children. In *Corcoran, T., ed. Psychology in Education: Critical theory practice*, Psychology in Education. Sense Publishers. P. 95-111.
- Wang, B., Barnett, D., Zhao, G., Zhao, J., Stanton, B. (2012). Risk and protective factors for depression symptoms among children affect by HIV/AIDS in rural China: A structural equation modeling analysis. *Journal of Social Science and Medicine*. 74:1435–1443.

